

انزوي حزب الله در لبنان

۱۳۸۵.۰۶.۰۳

کيهان لندن
شاهين فاطمي

توافق کامل در مورد قطعنامه 1701 در شوراي امنيت سازمان ملل با در نظر گرفتن مفاد اين قطعنامه گوياي ورق خوردن تاريخ منطقه است .

همانگونه که در شماره پيش در همين ستون پيش بيني شده بود سرانجام شوراي امنيت عملا همان طرح پيشنهادي دولت لبنان را که به نام طرح «بري - حريري» معروف است به اتفاق آراء تصويب کرد. تصويب اين قطعنامه در برگيرنده همه آرزوها و آمال اکثریت ملت لبنان است زیرا عملا با به حاشيه راندن حزب الله، قدرت دولت و ارتش لبنان را بر سراسر خاک لبنان مستقر خواهد ساخت. از سوي ديگر با خلع سلاح حزب الله و عاري از سلاح اعلام کردن منطقه اي به عمق 20 كيلومتر از مرز اسرائيل تا رودخانه ليتاني و ممنوعيت ورود سلاح غيرمجاز به لبنان، اسرائيل هدف نظامي خود را تأمين کرده است. با توجه به اينکه منطقه مورد نظر همان محدوده بسيار حساس فعاليت حزب الله بوده است، تأييد طرح «بري - حريري» و گنجانده شدن مفاد آن در قطعنامه يعني تخته شدن دکان حزب الله. متأسفانه اکثر کسانی که در مورد خاتمه اين درگيري تا کنون مطلب نوشته اند زحمت به دقت خواندن قطعنامه را به خود نداده اند. مفاد اين قطعنامه در درجه اول گوياي يك نوع تفاهم بسيار عميق بين اعضاي دائمي شوراي امنيت است و در درجه دوم نشان مي دهد که زيادرويهاي جمهوري اسلامي در منطقه چگونه باعث شده است که اکثریت قريب به اتفاق کشورهای عربي بتوانند با اين سرعت به توافق رسیده از اين تفاهم بين المللي پشتيباني کنند. نگراني کشورهای عربي از زياده رويا و ماجراجوييهاي جمهوري اسلامي آنقدر شديد است که طبق گزارش ناظران آخرين جلسه وزراي خارجه کشورهای عربي، پيشنهاد سوريه که مطلبي در تأييد حزب الله در بيانيه آنها گنجانده شود، با قاطعيت رد شد و حتي يك کلام در اين مورد در آن بيانيه قيد نشد. اين عکس العمل شديد و منفي اکثریت قريب به اتفاق کشورهای عربي نسبت به حزب الله موجب شد که حتي خاوير سولانا مسئول سياست خارجي اتحاديه اروپا که بسيار در کلام محتاط است نيز عليه حزب الله جبهه بگيرد. وي آنچنان که در گزارش خبرگزاري فارس از وي نقل قول شده است طي مصاحبه اي با روزنامه معروف «ال پائيس» اسپانيا گفته است: «حزب الله بايد مشخص کند، پایگاه ايران است يا نيروي سياسي لبنان.» اين سخن از سولانا يك ماه پيش شنیده نمی شد .

از قرار گزارشهاي منتشر شده سران ائتلاف 14 آذار که پس از قتل رفيق حريري تشكيل شد در تهيه اين طرح بسيار کوشيده اند و پاره اي از آنها از جمله وليد جنبلاط و امين جمایل در سفارت آمریکا در ديدار با کانداليزا رايس رسماً از وي خواسته اند که هر گونه پايان درگيريها در لبنان بر مبناي توافق بين دولت لبنان با مجامع بين المللي باشد تا هيچگونه نشانه اي از حزب الله در اين توافق نباشد و اين دقيقاً همان روشي است که در تهيه قطعنامه به کار رفته است و جز در يکجا، در اول قطعنامه، آن هم به عنوان مسبب اين درگيري در هيچ جاي ديگر قطعنامه چهار صفحه اي نامي از حزب الله برده نشده است .

اکنون بايد پرسيد چرا حزب الله با سرعت اين قطعنامه را پذيرفت، آنچنان سرعتي که حتي منوچهر متکي وزير خارجه جمهوري اسلامي را غافلگير کرد. وي بدوا عليه قطعنامه سخن گفت ولی پس از آنکه سيد حسن نصرالله موافقت خود را اعلام کرد، از او نيز متابعت کرد. از قرائن مي توان نتيجه گيري کرد که اولاً حزب الله چاره اي جز قبول اين طرح نداشت چون اگر موافقت نمي کرد آنچنان در انزوا قرار مي گرفت که ديگر فرصت باز يابي موضع سياسي خود را براي هميشه به عنوان يك باز يگر در صحنه سياست لبنان از دست مي داد. از سوي ديگر شايد دوگانگوني بين منوچهر متکي و سيد حسن در مورد قطعنامه، ساختگي بوده است تا نشان دهد که آنقدر ها هم حزب الله تابع و فرمانبر جمهوري اسلامي نيست .

جو سياسي عليه حزب الله و جمهوري اسلامي در لبنان آنقدر بالا گرفته است که الياس عطاء الله يکي از اعضاي سرشناس ائتلاف 14 آذار که عضو پارلمان لبنان نيز هست، اعلام کرده است که پس از توافق با طرح سپينبوره (همان طرح بري - حريري) و تصويب آن در چهارچوب قطعنامه 1701 شوراي امنيت ديگر فضائي براي خود نماني حزب الله باقي نخواهد ماند .

هنگام نوشتن اين مطالب بيش از دو روز از اعلام آتش بس نگذشته و با آنکه تا کنون تخلف قابل ملاحظه اي از آن ديده نشده است، بايد منتظر ماند چون مستقر کردن 15000 سرباز لبناني و 15000 سرباز سازمان ملل در فضائي وسيعتر از 900 كيلومتر مربع کار ساده اي نيست .

از سوي ديگر تأثير اين جنگ 33 روزه در سياست داخلي اسرائيل سئوال ديگري است که پاسخ آن را بايد در روزهاي آينده جستجو کرد. مسلماً حزب ليکود به رهبري ناتن ياهو که در انتخابات گذشته شکست فاحشي خورد سعي خواهد کرد از عواقب اين جنگ به ويژه تلفات نسبتاً سنگين آن بهره گيري سياسي کند. از سوي ديگر اسرائيل که با حمله شديد به لبنان هزينه بسيار سنگيني را به کشور همسايه تحميل کرد، اگر چه منتج به نتيجه مورد نظر شد و حزب الله به عنوان عامل اصلي اين جنگ در انزوا قرار گرفت ولي از نقطه نظر سياسي در منطقه و جنگ تبليغاتي مسلماً لطمات بزرگي خورده است. از آنجا که در مورد اين جنگ با درگيري 33 روزه صدها مقاله و دهها کتاب نوشته خواهد شد، در اين فرصت بهتر است ما بيشتر به عواقب آن در ارتباط با ايران بپردازيم .

یکی از مسائل اصلی جمهوری اسلامی طی دوران حکومتش همین عدم شناخت فضا و شرایط بین‌المللی بوده است. آنها اغلب در صحنه بین‌المللی هم سعی می‌کنند از همان نوع دوز و کلکهای رایج در میان خودشان استفاده کنند و از درک عمق و اهمیت روابط بین‌المللی آگاهی کامل ندارند. این بدان معنی نیست که در کادرهای اداری وزارت خارجه و یا مؤسسات تحقیقاتی کمبودی وجود دارد. نه، درست برعکس، امروز ایران دارای یکی از بهترین کادرهای علمی و سیاسی می‌باشد. تعداد جوانانی که طی 30 سال گذشته در بهترین دانشگاههای جهان به اخذ عالی‌ترین درجات علمی نائل شده‌اند هزاران هزار است. تعداد زیادی از این زنان و مردان شایسته به ایران باز گشته‌اند و بسیاری از آنها هم اکنون در سازمانهای اداری کشور از وزارتخانه‌ها گرفته تا بانک مرکزی و سایر مؤسسات دولتی و ملی مشغول به کارند. بنابراین اشکال کار ما همانند فلان کشور عقب‌مانده، کمبود انسانهای فهیم و دانا نیست. مسأله این است که اینها هیچکاره‌اند. تصمیمات مهم مملکتی بر مبنای استخاره و فتوا گرفته می‌شود نه استدلال و مطالعه. از این گذشته اشغال مقامات حساس اداری هنوز پس از قریب سی سال شکست پیاپی بر مبنای تعهد به نظام است و نه تخصص و کارشناسی. این رویه و این نوع برخورد با مسائل موجب شده است که امروز جمهوری اسلامی بیش از همیشه در انزوای بین‌المللی قرار گیرد.

به احتمال زیاد حوادث اخیر لبنان نقطه عطفی خواهد بود در برخورد دنیای خارج با جمهوری اسلامی. عکس‌العمل شدید اکثریت کشورهای عربی به شیعه‌گری و تندرویهای مذهبی در عراق و لبنان باعث شده است که کاسه صبر آنها لبریز شود. باید در انتظار تغییر موضع سوریه نیز بود. چون اگر سوریه مطمئن شود که بلندبیهای جولان را باز خواهد یافت و عربستان سعودی نیز متعهد شود که مبلغی مساوی با آنچه ایران می‌پرداخته است به بشار اسد برساند احتمال آنکه سوریه نیز روشی مشابه لیبی انتخاب کند بسیار زیاد است. از سوی دیگر برای دیپلماسی دولت بوش بسیار مهم خواهد بود اگر طی چند ماه آینده روند صلح خاورمیانه این بار با شرکت سوریه از سر گرفته شود. آنچه در لبنان اتفاق افتاد در درازمدت به عنوان یک اشتباه بزرگ جمهوری اسلامی و حزب‌الله شناخته خواهد شد و آغاز شمارش معکوس.

پونو - 16 اوت 2006

fatemi@fatemi.com